

بررسی مفهوم بلاء در اندیشه علامه طهرانی رضوان الله تعالی علیه

تحقیق: سعید اصلانی*

چکیده

علامه طهرانی رضوان الله تعالی علیه معتقدند بلا از آن جا که انسان را از ناخالصی ها جدا میکند رشد دهنده است. چه بلای حاصل از اعمال باشد که اثر گناه را کم میکند و چه بلای تذکر دهنده باشد که انسان را به مسیر برمی گرداند و چه بلای از جنس نعمت که تعالی دهنده و زداینده همه ناخالصی هاست و هستی انسان را از او می گیرد تا او را به مرحله ای بالاتر برساند. در هیچکدام بلا نمی تواند مفهوم بد و منفی داشته باشد مگر از باب دل بستگی ها و علایق شخصی. که هر چه جنس معرفت حقیقی انسان بالاتر رود تحمل این سختی ها نیز ممکن تر می شود. مراتب بالای صبر و رضا در این نقطه تعریف می شوند.

کلیدواژه‌ها: نعمت بلا، شکل های ابتلاء، شبهات بلا، علامه طهرانی، کارکرد ابتلائات



مقدمه

لغت نامه ها بلا را در معانی مختلفی ذکر کرده اند از اختبار و آزمایش تا مصیبت و خستگی شدید مفاهیمی هستند که برابر کلمه بلا آورده

شده اند. ۱. اما مفهومی که در این مقاله به آن پرداخته شده مفهومی از بلاست که شامل دسته ای از رویدادها و امتحانات در زندگی انسانی می شود که برای انسان مکروه بوده و ناخوشایند می باشد.

در همین راستا یونس بن یعقوب روایتی از امام صادق علیه السلام را نقل کرده که در آن امام فرمود ملعون است اگر ۴۰ روز بر کسی بگذرد و بر او بلایی اصابت نکند. وقتی یونس از شنیدن کلمه ملعون تعجب می کند و نگران می شود امام به توضیح مفهوم بلا می پردازند و می گویند: «خراش تن، سیلی خوردن، لغزیدن، افتادن از بلندی و مانند آن نیز بلا حساب می شود. ای یونس! مؤمن نزد خدا گرامی تر از آن است مؤمن نزد خدا گرامی از آن است که چهل روز از او سپری شود و از پلیدیها پاک نشود حتی با مبتلا شدن به غم و اندوهی که دلیلش را نمیداند! به خدا سوگند گاهی یکی از شما پولهایش را می شمرد و آنرا کم می یابد و به همین جهت اندوهگین می شود و دوباره آنرا می شمارد و می بیند که درست بوده و در شمارش آن اشتباه کرده و همین مقدار ناراحتی سبب کاسته شدن گناهایش می

گردد.»^۱ لذا ممکن است کوچکترین رویدادها در زندگی و حتی غصه ای که انسان دلیل آن را نمی داند از جمله بلاها باشند.

چرایی بلا

قرآن کریم هدف از خلفت انسان را عبودیت به درگاه خداوند عنوان کرده است.^۲ عبودیت را بندگی و بیچارگی و ذلت و در نتیجه نیستی و بی ارادگی مطلق در برابر مولا معنا کرده اند.^۳ لذا هر چه بنده دارای مقام بالاتری در نزد خداوند باشد به بندگی و ذلت نزدیک تر و در نزد پروردگارش به عبد بودن معروف تر است چنانکه در مورد عبودیت والاترین مخلوق عالم هستی روزانه چندین بار در نماز به بندگی او اعتراف می شود.

مقام عبودیت میسر نمی شود مگر با زیرپا گذاشتن جمیع خواسته های نفسانی و جمیع تعلقاتی که انسان دارد. اعم از مال و جاه و اعتبار و مقام و شخصیتش. انسان تا این بت ها را به زمین نیندازد به حقیقت عبودیت نرسیده و نخواهد توانست مراحل سلوک به سمت خداوند را پشت سر بگذارد.^۴

۱. اسکافی، محمد بن همام، التمهیص، نشر مدرسه الإمام المهدی (عج)، ص ۱۳
۲. قرآن کریم، سوره ذاریات، آیه ۶۵
۳. طهرانی، محمدصادق، باده توحید در کربلای عشق، دوره علوم و معارف اسلام، صفحه ۰۹
۴. طهرانی، محمدصادق، باده توحید در کربلای

لذا از همین رو هر کس که در مسیر حرکت به سمت خداوند سریع تر باشد بیشتر دچار ابتلائات می شود و از همین روست که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند شدید ترین مردم از حیث ابتلائات انبیا هستند و بعد از آن ها اولیا و بعد از آنها هر کس که به آنها شبیه تر باشد^۵ و دنیا زندان مومن و بهشت کافران است.^۶

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْأَوْلِيَاءُ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَأَلْأَمْثَلُ وَقَدْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ.^۷

روایتی از امیر المومنین (صلوات الله و سلامه علیه) در همین مضمون وارد شده که فرمودند اصلا بلا برای اهل ولا و نزدیکان [به مسیر حرکت به سمت خدا] است سپس برای اوصیا.

البلاء للولاء ثم للاوصياء ثم للامثل فلا مثل^۸

علامه طهرانی در باره تخصیص بلا برای اهل سلوک و حرکت به سمت خدا می فرمایند: «در این راه، نان و حلوا خیر

نمی کنند! راهی است مشحون از خطر و بلا و آفاتی که در کمین سالک نشسته اند! این راه، راه تهذیب و فناست و باید نفس را در آن له نمود، نه راه تقویت و فربه کردن نفس که هر روز انسان به اعتباریات و منیت نفس خویش بیفزاید. اگر مرد این راه هستی بسم الله و الا بیخود در این راه نیاید.

پای این مردان نداری جامه ایشان مپوش برگ بی برگی نداری، لاف درویشی مزین می فرمودند: خداوند رؤوف و عطوف و مهربان است، رحمت خاصه و عامه او سراسر عالم را گرفته است، ولی با همه اینها، مؤمنی که آهنگ توحید و لقاء او را دارد و میگوید: من خدا را می خواهم، خداوند او را زیر سنگ بلا می گذارد و له میکند تا هستی موهوم و مجازی او را بگیرد و او به عجز و نیستی خود اقرار و اعتراف کند. ناله و فریادش بلند می شود اما او را رها نمی کنند و می گویند: مگر نمی گفتی من از اهل توحیدم و طالب لقاء خدا؛ باید از خود و غیر خدا پاک شوی تا بتوانی با چشم خداین او را ببینی. از ازل بنا براین گذاشته شده است که راه خدا با ابتلاء همراه باشد.

باری توحید حضرت پروردگار را مفت و مجانی به کسی نمی دهند بلکه سالک برای تحصیل آن باید سال ها خون دل بخورد.^۹ بنا بر این هر کس که پیامبر بود در بالاترین حد بلا قرار دارد و اولیا و مومنین

۹. طهرانی، محمدصادق، نور مجرد

عشق، دوره علوم و معارف اسلام، صفحه ۱۹
 ۵. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۳۳۶
 ۶. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال، حدیث ۱۸۰۶
 ۷. مجلسی، محمدتقی، بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۴۹۱
 ۸. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۲ - ۳۵۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵۲ - ۳۶۲؛ ج ۲، ص ۵۷۱.





» می‌فرمودند: خداوند رؤوف

و عطوف و مهربان است،

رحمت خاصه و عامه او سراسر

عالم را گرفته است، ولی با همه

اینها، مؤمنی که آهنگ توحید و

لقاء او را دارد و میگوید: من خدا

را می‌خواهم، خداوند او را زیر

سنگ بلا می‌گذارد و له میکند تا

هستی موهوم و مجازی او را بگیرد

و او به عجز و نیستی خود اقرار و

اعتراف کند

خالص و هر کسی که به آنا شبیه ترند به میزان قرب و حضورشان در مسیر حرکت و تشابهشان به مومنین از ابتلائات مسیر نیز بهره می‌برند.

چگونگی بلا

شکل های گوناگون ابتلا

قرآن کریم در تشریح شکل های ابتلا می فرماید که بلا در چند شکل ظاهر میشود.

ترس، گرسنگی، نقص در اموال و جان ها و حاصل دسترنج ها

وَلْتَبْلُوْكُمْ بَشِيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِيْنَ^{۱۰}

با نگاهی دقیق تر در تفاسیر هر کدام از این چند عنوان به یک مفهوم کلی و

۱۰. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۵۵۱

فروعات وابسته دیگر اشاره می کنند. و شامل مسائل مختلفی از جمله جنگ ها و نا امنی ها و آسیب های مالی و بیماری و مرگ و آسیب هایی در ثمرات باغی و میوه ها یا فرزندان می شود.^{۱۱}

عمومیت ابتلاء

آیه قرآن در مورد همه گیر بودن ابتلاء می فرماید: آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ در حالی که یقیناً کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده ایم [پس اینان هم بی تردید آزمایش می شوند]، و بی تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته اند می شناسد، و قطعاً دروغ‌گویان را نیز می شناسد.^{۱۲}

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم ﴿۱﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوْا أَنْ يَقُولُوْا ءَآمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُوْنَ ﴿۲﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوْا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَذِبِيْنَ ﴿۳﴾

قرآن در این آیات به عمومیت موضوع ابتلاء اشاره کرده میفرماید چنین نیست که مردم تصور میکنند فقط قسمتی از مردم (خاصتا پیشینیان دچار آفات و امتحان ها

۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، جلد ۱، صفحه ۵۳۴

۱۲. انصاریان، حسین، ترجمه سوره عنکبوت آیات ابتدای سوره عنکبوت

می شوند بلکه همه انسان ها (با توجه به میزان ایمانشان) در غربال آزمون های الهی فرو خواهند رفت.

کارکرد ابتلائات

در مورد روش تاثیر گذاری ابتلائات در اهدافی که ذکر شد نکاتی در آیات و روایات وارد شده است. که با نگرشی می توان آن ها را در سه دسته تقسیم کرد.

اثر الذنوب

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید مصیبتی بر شما وارد نمی شود مگر اینکه از ناحیه خود شماست و این در حالیست که خداوند از بسیاری از گناهان شما در می گذرد. ۱۳ وگرنه که میزان ابتلاها منشاء گرفته از گناهان شما به حدی غیر قابل تحملی می رسید.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ

در ذیل همین آیه روایاتی وارد شده است که می فرماید هیچ آسیب و خراش کوچکی نیست مگر اینکه اثر گناهان شماست. و به واسطه این عذاب های کوچک دنیوی خداوند عذاب عظمای اخروی را از شما دور میکند. ۱۴ و این ابتلائات وارده ناشی از

مقدار کمی از گناهان است که ایجاد شده و بیشتر گناهان به رحمت خداوند و نفس قدسیه اولیاء خداوند از جمیع ابنا بشر برگردانده می شود. و علامه طهرانی حتی آورده اند که به واسطه قبور علما بلا از افراد برگردانده می شود. همانطور که در داستان معروف زکریا بن آدم امام رضا علیه السلام به ایشان می نویسد که از اهل بیت تو بلا دفع میشود به سبب تو، همچنان که بلا دفع میشود از اهل بغداد به سبب موسی بن جعفر علیهما السلام.^{۱۵}

شبهه ای که در اینجا ایجاد میشود این است که پس افراد با ایمان خالص و نیز افراد معصوم مانند اهل بیت عصمت و طهارت علیهم صلوات الله و سلامه چگونه دچار ابتلائات مختلف می شوند که در موارد بعدی می توان پاسخ آن را گرفت.

التذکیر

در حدیث شریفی از امام صادق علیه السلام روایت شده که بر مومن چهل روز نمی گذرد مگر اینکه امری بر او عارض میگردد که او را دچار حزن و ناراحتی میگرداند تا اینکه او به یاد پروردگارش بیفتد.^{۱۶}

الْمُؤْمِنُ لَا يَمُضِي عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً إِلَّا عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ يَحْزُنُهُ وَ يَذْكَرُ بِهِ.

۱۵. طهرانی، علامه محمد حسین، روح مجرد، نشر معارف اسلامی، ص ۷۸۲

۱۶. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۵۲۶

۱۳. قرآن کریم، شوری، ۳

۱۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۴، صفحه ۷۲۸





در این روایت شریف کارکرد ابتلاء تذکر و یادآوری اتصال مومن به مسائل معنوی و حضرت پروردگار جل و علا ذکر شده است که از این طریق موجب رشد فرد می شود.

نعمت

در حدیثی از وجود امام کاظم علیه السلام روایت شده که تا بلاء را نعمت نمیدانید، مومن نیستید.^{۱۷} در وجه تعلیل این روایت در ادامه آن چنین آمده است که از میان دو موضوع صبر در هنگام بلا و غفلت در هنگام آسایش (اگر مورد مقایسه قرار گیرند) قطعاً این صبر بسیار ارزش بالایی دارد.

لَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَعُدُّوا الْبَلَاءَ نِعْمَةً
 وَالرَّخَاءَ مُصِيبَةً وَ ذَلِكَ أَنَّ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ
 أَكْبَرُ مِنَ الْعُقْلَةِ عِنْدَ الرَّخَاءِ

در این کارکرد نیز با به لایه های پنهان از بلا آشنا می شویم چنان که ظاهر آن را ناپسند جلوه می کند اما در درونش مملوء از مفاهیم رشد و تعالی دهنده ای مانند صبر و استقامت است که قطعاً در درگاه خداوند مورد پاداش قرار خواهند گرفت.

شبهات بلا

آیا وجود بلا منافای عدالت نیست؟

در این میان اینگونه شبهه آیا اگر در مدرسه ای دانش آموزانی که نمره بهتر گرفته

اند تنبیه شوند آیا این با عدالت خداوند سازگار است.

اولاً اینگونه بیان کردیم که بلا را بایستی با دیده نعمت نگریست و نه به دیده آزار و در این صورت در شبهه مورد اشاره مثلاً اگر اینگونه پرسیم که اگر دانش آموزانی که نمره بهتر گرفته اند با سوالات سخت تری در المپیاد مواجه شوند یا مثلاً دچار معلم سختگیر تری در مدارس تیز هوشان شوند آیا بر ایشان ظلم جاری نشده. هر عقل منصفی می داند که این سخت گیری بیشتر معلم در مدرسه ای بهتر و یا برخورد با سوال هایی سخت تر در آزمونی با درجه بالاتر نه تنها ظلم به این فرد نیست بلکه نشان از رشد این فرد در سیستم علمی دارد.

ثانیاً اگر همین اتفاقات دنیایی را به هر حال آزار بدانیم مثلاً مادری فرزند خود را از دست می دهد جواب او را چگونه باید بدهیم. در روایت شریفی وارد شده که در قیامت خداوند همانند کسی که از برادرش پوزش میخواهد، از مومن فقیر درخواست بخشش میکند و میفرماید: به عزتم سوگند که برای خوار کردن در دنیا محتاجت نکردم. اکنون در این ظرف را بردار و پاداشت را ببین. فقیر بعد از دیدن پاداش میگوید: با این عوضی که به من دادی، هیچ زبانی ندیدم از آنچه در دنیا از من گرفتی.^{۱۸}

یعنی خداوند به گونه ای برای فرد آسیب

۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۹۷، ص ۵۴۱

۱۸. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۸۱

دیده در دنیا جبران میکند که فرد خودش به چیزی که در دنیا بر سرش آمده راضی می شود و حتی در روایتی آمده که ای کاش اتفاق بدتری در دنیا برای من افتاده بود مثلا مرا با قیچی تکه تکه میکردند تا سهم بیشتری از این پاداش در نزد خداوند داشته باشم.

لو يعلم المؤمن ما له من الأجر في المصائب لتمنى أنه قرض بالمقاريض؛^{۱۹}

آیا با توجه به فضایل بلا وظیفه داریم خود را در بلا بیاندازیم؟

در سوالی دیگر از این سوی مفهوم ابتلا زمانی که توانستیم به خوبی فضیلت بلا را اثبات کنیم ایجاد می شود و آن اینکه آیا با همه خوبی هایی که برای بلا ذکر کردیم آیا وظیفه داریم خود را به بلا بیاندازیم یا از خداوند طلب بلا کنیم یا هنگام ابتلائات طلب عافیت نکنیم.

در منابع دینی ما به ما آموخته اند که ما طلب عافیت کنیم. بطوریکه در صحیفه سجادیه اینچنین آمده: خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و عافیت را بر من بپوشان و سراپایم را به عافیت بپوشان و به عافیت محفوظم دار و به عافیت ارزشمند و عزیزم دار و بر من به عافیت احسان کن و به عافیت بر من صدقه ده و عافیت را به من ببخش و عافیت را بر من بگستران و

عافیت را برایم شایسته گردان و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی مینداز.^{۲۰}
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْبِسْنِي عَافِيَتَكَ، وَجَلِّئْنِي عَافِيَتَكَ، وَحَصِّبْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَ هَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَأَفْرِشْنِي عَافِيَتَكَ، وَأَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

و در ادامه همین دعا طلب صحت بدن و امنیت و تندرستی کرده است لذا اولاً و بالذات وظیفه داریم که از خداوند طلب عافیت و صحت کنیم و ابدا سفارش نشده که طلب درد و بلا و بیماری و مصیبت کنیم چه بسا که خود را در آن بیاندازیم.

علامه طهرانی رضوان الله تعالی علیه در این باره می نویسد: اگر بگوش انسان رسید که دنیا بدر نمی خورد، بالاخره انسان باید بمیرد؛ مقصود دنیای شهوت و غفلت است. آن بدر نمی خورد نه، دنیای صحیح؛ این، دنیا نیست. اگر انسان دنیای صحیح نداشت، آخرت هم ندارد؛ آخرت براساس دنیای صحیح است. تمام کمالاتی که ما کسب می کنیم در دنیاست، پس آخرت متوقف بر دنیاست. و آن کمالات در دوران عمر حاصل می شود، بنابراین عمر عزیزترین و گرانبهارترین سرمایه الهی است.^{۲۱}

۲۰. صحیفه سجادیه، دعای ۳۲

۲۱. طهرانی، علامه محمد حسین، معاد شناسی،

۱۹. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۵۳





در کتاب «معانی الاخبار» مرحوم شیخ صدوق روایت می‌کند از پدرش از سعد بن عبد الله از احمد بن محمد از ابن فضال از یونس بن یعقوب از شعیب عَرقوفی که می‌گوید: از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم راجع به مطلبی که از ابو ذر غفاری نقل شده است.

از ابو ذر نقل شده است که او می‌گفته: سه چیز را مردم مکروه و ناپسند دارند و لیکن من دوست دارم؛ من مرگ را دوست دارم و من فقر را دوست دارم و من بلا را دوست دارم.

حضرت صادق فرمودند: روایت این طور نیست. مقصود ابو ذر اینست که مرگ در طاعت خدا محبوب تر است نزد من از حیات و زندگی در معصیت خدا. و فقر در طاعت خدا نیکوتر است نزد من از بی نیازی در معصیت خدا. و بلا در طاعت خدا نزد من محبوب تر است از صحت و سلامت در معصیت خدا. و مثل این روایت را مفید در «مجالس» با اسناد خود از ابن فضال آورده است.

در جمع بین بلا و رضایت

اینگونه سوال می‌شود حال که ما وظیفه داریم خود را به بلا و بیماری نیندازیم و هر گاه به بیماری و بلا افتادیم طلب عافیت کنیم. پس جمع این موضوع با موضوع

رضایت چه میشود.

در همین زمینه روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که می‌فرماید: خداوند عزّ و جل به حضرت داود صلوات الله علیه وحی کرد که: رفیق و همراه تو در بهشت خلاده دختر اوس است، به نزد او برو و به او خبر و بشارت را بده، و به او اعلام کن که همسر تو در آخرت است، حضرت داود به طرف منزل او رفت و درب منزل را کوبید و خلاده بیرون آمد. حضرت گفت: تو خلاده دختر اوس هستی؟ گفت: ای پیغمبر خدا؛ من آن رفیق تو که به دنبالش می‌گردی نیستم، حضرت داود به او گفت: آیا تو خلاده دختر اوس از نواده گان فلان و فلان نیستی؟ گفت: چرا هستم، فرمود: پس تو خود او هستی، گفت: ای پیغمبر خدا شاید مشابهت اسمی با اسم دیگر شده، حضرت داود علیه السلام فرمود: من دروغ نمی‌گویم، به من هم دروغ گفته نشده و تو حقیقتاً همان هستی، گفت: ای پیغمبر خدا من تو را تکذیب نمی‌کنم ولی قسم به خدا نمی‌بینم در خودم آنچه تو مرا به آن توصیف می‌کنی، حضرت داود صلوات الله علیه به او گفت: مرا از اخلاق و رفتار نیکویت خبر ده که چیست؟ گفت: اکنون از سرنوشت خود تو را با خبر سازم که: هر چه به من رسد، و هر بلایی که از ناحیه خدا باشد، اگر مریضی و گرسنگی به من روی آورد بر آن صبر کنم، و هرگز از خدا طلب برطرف شدن آن سختی

» مقصود ابو ذر اینست که
مرگ در طاعت خدا محبوب

تر است نزد من از حیات و
زندگی در معصیت خدا. و فقر در
طاعت خدا نیکوتر است نزد من
از بی نیازی در معصیت خدا. و بلا
در طاعت خدا نزد من محبوب
تر است از صحت و سلامت در
معصیت خدا.

را نکرده ام تا اینکه خود او آن را از من به سلامت و گشایش مبدل نماید، و هرگز عوض آن را طلب نکردم و خدا را شکر کردم و او را ستایش نمودم، حضرت داود صلوات الله علیه به او گفت: به همین صفت به این مقام رسیده ای. سپس امام علیه السلام فرمود: بخدا قسم همین دین، دین خداست که برای بندگان شایسته اش برگزید.^{۲۲}

در این روایت شریفهم این خانم مقام رضا را به خوبی به تصویر می کشد و عنوان می کند که اگر بیماری به سراغم بیاید من دفع آن را نمی خواهم. (یعنی در آن بیماری کفران نعمت خدا نکرده و ناله و بی تابی نمیکنم) و اگر بناست این بیماری بر من فرود آید بر آن صبر میکنم. و امضای امام صادق در پای این روایت بر اهمیت این موضوع می

۲۲. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۱۳

افزاید که این سبک زندگی که رضایت بر آن چیزی که اجل اوست زندگی مورد رضایت خداوند متعال است.

مفهومی متعالی تر از این موضوع در دعایی از صحیفه سجادیه نیز چنین آمده است: خدایا! تو را سپاس بر تندرستی بدنم که پیوسته از آن برخوردار بودم و تو را سپاس بر بیماری و مرضی که در جسمم پدید آوردی. ای خدای من! کدام یک از این دو حال، برای سپاس گزاری به درگاهت سزاوارتر و کدام یک از این دو وقت، برای سپاس و ثنا به پیشگاهت شایسته تر است؟ آیا زمان سلامت که روزی های پاکیزه ات را در آن برابم گوارا فرمودی و به سبب آن برای به دست آوردن خشنودی و احسانت به من نشاط دادی؛ و مرا همراه آن، بر آنچه که از اطاعتت توفیق دادی، نیرو بخشیدی؟ یا هنگام بیماری که مرا به وسیله آن از ناخالصی ها خالص ساختی و نعمت هایی که به من هدیه دادی، برای سبک کردن گناهانی که پشتم را گران و سنگین کرده و پاک کردن زشتی هایی که در آن فرو رفته ام و آگاهی دادن برای این که توبه را فراگیرم و به یاد آوردن نعمت های قدیم، برای محو کردن گناهان بزرگ از پرونده ام؟^{۲۳}

۲۳. صحیفه سجادیه، دعای ۵۱



منايع

قرآن كريم

صحيفه سجاده

المنجد في اللغة العربية المعاصرة، نشر دار المشرق

اسكافى، محمد بن همام، التمهيص، نشر مدرسة

الإمام المهدي «عج».

بحرانى، هاشم بن سليمان، البرهان في تفسير

القرآن،

كلينى، محمد بن يعقوب، كافي،

طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان،

طبرسى، على بن حسن بن فضل، مشكاة الأنوار في

غرر الأخبار،

طهرانى، علامه محمد حسين، معاد شناسى، نشر

معارف اسلامى.

طهرانى، علامه محمد حسين، روح مجرد، نشر

معارف اسلامى.

طهرانى، محمد صادق، نور مجرد، دوره علوم و

معارف اسلام.

طهرانى، محمد صادق، باده توحيد در كربلاى عشق،

دوره علوم و معارف اسلام.

متقى هندی، علاء الدين على بن حسام، كنز

العمال.

مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار

الأئمة الأطهار عليهم السلام.

